

چرا خامنه ای در مورد سفر روحانی به آمریکا ابراز تردید کرد؟

این مقاله در **12 اکتبر در الجزیره آمریکا** منتشر شده است.

حسن روحانی قبل از حرکت از تهران به نیویورک طی مصاحبه ای اعلام کرد که دارای "اختیار تام" برای حل نزاع هسته ای است. در نیویورک رسماً اعلام شد که قرار است جلسه وزرای خارجه 1+5 با حضور ظریف و جان کری تشکیل شود. با این که چند روز تا تشکیل جلسه فرصت باقی بود، این خبر نه تنها هیچ مخالفتی در تهران برنینگیخت، بلکه از آن استقبال شد.

اکثر مسئولان جمهوری اسلامی از نطق روز سه شنبه اوپاما در مجمع عمومی سازمان ملل نیز استقبال کردند. برای این که اولاً: به صراحت اعلام کرد که به دنبال تغییر رژیم در ایران نیست، ثانیاً: از گزینه نظامی و تهدید ایران سخنی به میان نیاورد.

برخلاف انتظارات دیداری میان اوپاما و روحانی- حتی در حد دست دادن- صورت نگرفت. جلسه وزرای خارجه در پنج شنبه تشکیل شد و در پایان جلسه ای خصوصی میان کری و ظریف برگزار شد. استقبال تهران همچنان ادامه داشت. حسن روحانی که در نیویورک از خواب برخاست، نماز جمعه سراسر ایران پایان یافته و همه ائمه جمعه از عملکرد او و ظریف تجلیل فراوانی به عمل آورده بودند. با توجه به این که سیاست های اصلی توسط منصوبان خامنه ای (شورای سیاستگذاری ائمه جمعه) به کلیه ائمه جمعه ابلاغ می گردد، او فهمید که رهبری هم کاملاً راضی است.

در زمان حرکت روحانی از هتل به سوی فرودگاه (تقریباً ساعت 12 شب تهران)، گفت و گوی تلفنی او و اوپاما انجام شد. شنبه که به تهران بازگشت، گروهی به گفت و گوی تلفنی اعتراض کرده و یکی از حاضران لنگه کفشی به سوی اتومبیل او پرتاب کرد. هنوز اعتراض ها زیاد نبود. تا این که اوپاما در دیدار با نتانیاهو- در 30 سپتامبر- دوباره از بر روی میز بودن گزینه نظامی سخن گفت. این بدترین اتفاق ممکن بود.

آیت الله خامنه ای در 5 اکتبر طی سخنانی ضمن اعلام حمایت از تلاش ها و تحرک دیپلماسی دولت "عزیز و خدمتگزار" روحانی در نیویورک، برخی اقدامات نیویورک را "ناجای" خواند. چرا؟ چون دولت آمریکا "غیر قابل اعتماد"، "خودبتربین"، "غیر منطقی"، "عهد شکن" و به شدت اسیر چنگال شبکه بین المللی صهیونیسم است. دولت آمریکا به نام "منافع ملی" از همه دنیا پاج گرفته و به اسرائیل "پاج" می دهد. سپس افزود که از دولت مورد اعتماد روحانی می خواهد که: "با دقت، با ملاحظه ای همه ی جوانب گامها را درست بردارند، محکم بردارند، منافع ملی را يك لحظه به فراموشی نسپارند".

آیا این به این معنا بود که روحانی در یک لحظه، یعنی لحظه ای که تصمیم به گفت و گوی تلفنی با اوپاما گرفت- منافع ملی را به فراموشی سپرده بود؟ مسأله چه بود؟

یکم- آیت الله خامنه ای در چارچوبی مشخص برای حل نزاع هسته ای به حسن روحانی "اختیار تام" داده است. از نظر او، حل مسأله هسته ای به معنای حل مسائل میان ایران و آمریکا و برقراری روابط دوستانه میان این دو کشور نیست.

دوم- اگر دیدار ظریف/کری و گفت و گوی روحانی/اوباما دستاورد ملموسی برای ایران داشت (حداقل اوباما به حق غنی سازی اورانیوم توسط ایران اذعان می کرد)، آیت الله خامنه ای از برخی حرکات "تابجا" سخن نمی گفت. ضمن آن که سوزن رایس اعلام کرد که آمریکا غنی سازی اورانیوم را حق ایران به شمار نمی آورد، با این که جان کری به گونه دیگری سخن گفت.

سوم- اگر اوباما در دیدار با نتانیاهو از وجود گزینه نظامی سخن نمی گفت، احتمالاً باز هم شاهد واکنش تند آیت الله خامنه ای نبودیم. از نظر او به هیچ وجه معقول و منطقی نیست که وقتی ایران و آمریکا در حال مذاکره برای تفاهم و سازش هستند، اوباما به طور همزمان ایران را تهدید به حمله نظامی کند. آن هم برای "باج" دهی به نتانیاهو و لابی طرفدار اسرائیل در آمریکا. اوباما در عرض چند روز "عهدشکنی" خود را نشان داد. در سخنرانی مجمع عمومی سازمان ملل از "عدم تغییر رژیم" سخن گفت، ولی در دیدار با نتانیاهو از "گزینه نظامی" که معنایی جز "تغییر رژیم" ندارد حرف زد.

چهارم- همان گونه که نیروهای افراطی در آمریکا، اسرائیل، کشورهای حوزه خلیج فارس و... مخالف بهبود روابط ایران و آمریکا هستند، افراطی ترین ایرانیان ساکن داخل و خارج- با دو انگیزه متفاوت- مخالف بهبود روابط این دو دولت هستند. یک گروه بقای خود در قدرت را منوط به ادامه این تخاصم می بیند تا در پناه آن مخالفان و رقبای را سرکوب کند، گروه دیگر قدرت یابی خود را در رویارویی این دو دولت و حمله نظامی آمریکا به ایران می بیند (مدل های افغانستان، عراقی، لیبی و سوریه).

خامنه ای از دو جهت باید هوای افراطی های جمهوری اسلامی را داشته باشد. الف- کنترل آنها به صورتی که همچنان رهبری تام او را به رسمیت بشناسند. ب- اگر مذکرات ایران و آمریکا به شکست انجامید و زبان این گروه گشاده تر شد، خامنه ای بتواند مدعی شود که من از قبل بر غیر قابل اعتماد بودن و خودبرتربینی آمریکا سخن گفته بودم.

پنجم- نکته مهمی در اینجا وجود دارد که خامنه ای یا نمی داند و یا می داند و آگاهانه خود را به غفلت می زند. بدون مذاکره مستقیم ایران و آمریکا حل مسأله هسته ای و لغو "شدیدترین تحریم های اقتصادی طول تاریخ" علیه ایران ناممکن است. اگر نمی داند، حسن روحانی و دیگران باید این نکته را بر او روشن سازند، برای این که بدون "اجماع ملی" و حمایت یکپارچه رهبران رژیم از تیم مذاکره کننده، کاری پیش نخواهد رفت. نباید خامنه ای احساس کند که روحانی به دنبال دور زدن او است. بدون توافق کامل او حل مسأله ناشدنی است. اگر هم بر این نکته اذعان دارد، باید راهگشای دیدار روحانی و اوباما باشد تا شاید رفته رفته در مذاکراتی پر پیچ و خم سازشی صورت گرفته و تحریم ها لغو شوند.